

# The necessity of determining the culture based principles of urban regeneration on the ethnic and religious localities of Urmia with an emphasis on ethnography

Azim Osmanian

PhD. Student in Urbanism, Islamic Azad University (Central Tehran Branch), Tehran, Iran

Abdolqader Ghodratgojar

MA graduated in Geography and Rural Planning

Rahim Hashempour\*

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Corresponding author's email address: \*  
hashempour@arc.ikiu.ac.ir

## How to cite this article:

Azim Osmanian, Abdolqader Ghodratgojar, Rahim Hashempour, The necessity of determining the culture based principles of urban regeneration on the ethnic and religious localities of Urmia with an emphasis on ethnography, *Journal of Engineering and Construction Management (JECM)*, 2022, 7(1):75-82.

# ضرورت تعیین اصول بازآفرینی شهری فرهنگ مبنای محلات قومیتی و باوری ارومیه با تاکید بر قوم نگاری

عظیم عثمانیان

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)، تهران، ایران

عبدالقادر قدرت گوجار

دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

رحیم هاشمپور\*

دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: 1401/03/01، تاریخ پذیرش: 1401/03/21

## ارجاع به مقاله:

عظیم عثمانیان، عبدالقادر قدرت گوجار، رحیم هاشمپور، ضرورت تعیین اصول بازآفرینی شهری فرهنگ مبنای محلات قومیتی و باوری ارومیه با تاکید بر قوم نگاری، *مهندسی و مدیریت ساخت*، 1401، 7 (1): 75-82.

## Abstract

Today, the valuable urban tissues are getting worn out under the shadow of technological advances and speculative view. This wear and tear that occurs in the body and activity of the buildings has a destructive effect on the tissues that are formed during a gradual process and contain the identity and historical memory of the cities. Now, if these tissues belong to the racial or religious identity of the citizens, this negative effect is intensified and threatens the cultural effects of ethnic and religious life in multicultural cities. Today, the need for urban regeneration and revitalization is clear to everyone, but the way of intervention in all dysfunctional contexts cannot be considered the same, especially when the cultural and social contexts are different in the ethnic and religious spheres, which requires knowledge of the existing contexts of each The context, which has different residents, for the success of the project and also the sense of belonging of the citizens to the context after the regeneration, it is better to develop indicators specific to the existing contexts. This research aims to determine the principles of urban regeneration of culture based on different ethnic and religious localities, with an emphasis on ethnography in Urmia city, using descriptive-interpretive methods and ethnography approach, to explain specific regeneration indicators and components. We have made an effort in the direction of valuable urban revitalization in every different context. The findings of the research show that the city of Urmia, which is a multi-cultural and multi-identity city with the existence of different ethnic groups and religions. There are "others" who have gathered together in a city and its components form a common existence which doubles the importance and necessity of studying the social and cultural contexts of each of these ethnic groups.

## Keywords

Urban regeneration, culture based, Urmia ethnography, ethnic neighborhoods

## چکیده

امروزه بافت‌های ارزشمند شهری در سایه پیشرفت‌های فناوری و نگاه سودگرایانه رو به فرسودگی نهاده اند. این فرسودگی که در کالبد و فعالیت بناها اتفاق می افتد، تاثیر مخربی بر بافت‌هایی که در طی روندی تدریجی شکل گرفته و دربردارنده هویت و حافظه تاریخی شهرها هستند می گذارد. حال اگر این بافت‌ها متعلق به دربرگیرنده هویت نژادی و یا دینی باوری شهروندان باشد این تاثیر منفی بیش از پیش تشدید شده و موجب تهدید آثار فرهنگی زیست اقوام و ادیان در شهرهای چندفرهنگی می گردد. امروزه ضرورت بازآفرینی و تجدید حیات شهری بر همگان مشخص است ولی نمی توان نحوه مداخله در تمامی بافت‌های ناکارآمد را یکسان دانست بخصوص هنگامی که زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه قومی و باوری متفاوت باشد که می طلبد بنا به شناخت زمینه‌های موجود هر بافت که ساکنان متفاوتی دارد برای موفقیت پروژه و همچنین احساس تعلق خاطر شهروندان با بافت پس از بازآفرینی بهتر است شاخص‌هایی تدوین و مختص با زمینه‌های موجود تعیین گردد. این پژوهش با هدف تعیین اصول بازآفرینی شهری فرهنگ مبنای محلات مختلف قومیتی و باوری با تاکید بر قوم نگاری در شهر ارومیه و به روش توصیفی - تفسیری و رویکرد قوم نگاری «مردم نگاری» تدوین شده است تا با تبیین شاخص‌ها و مولفه‌های بازآفرینی مختص هر بافت متفاوت تلاشی در جهت تجدیدحیات ارزشمند شهری انجام داده باشیم. یافته‌های تحقیق نشان می دهد که شهر ارومیه که یک شهر چند فرهنگی و چند هویتی با وجود اقوام و ادیان متفاوت است. "دیگری"هایی هستند که در عین کثرت در یک شهر گرد هم آمده اند و اجزای آن یک وجود مشترک را موجود می گردند و به وحدت می رسند که اهمیت و ضرورت مطالعه و پرداختن به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی هر یک از این اقوام در بازآفرینی فرهنگ مینا را دو چندان می کند.

## کلمات کلیدی

بازآفرینی شهری، فرهنگ مینا، قوم نگاری ارومیه، محلات قومیتی



7 (1), 2022

دوره 7، شماره 1

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی



تخصیص شاخص های بازآفرینی متفاوت برای هر محله قومی می گردد؟ می-باشیم.

## 2- مبانی نظری

امروزه اصطلاح «بازآفرینی فرهنگ- مینا» تبدیل به بخشی از واژگان برنامه ریزی و توسعه شده و اهمیت رو به افزایش آن از دهه 1990 قابل مشاهده است. از نظر «لیچفیلد؛ بازآفرینی حرکت به سوی شهر پایدار است و به این منظور سه هدف اصلی دنبال می شود که عبارتند از تقویت قدرت رقابتی شهر، ایمنی مسکن و بهبود کیفیت محیط شهری. بازآفرینی شهری در اصل یک فعالیت مداخله گرایانه است و بازآفرینی فرهنگ - مینا به عنوان رویکردی از فرایند بازآفرینی شهری، بر استفاده از فرهنگ و فعالیت فرهنگی به عنوان یک کاتالیزور یا موتور محرک برای فعالیتهای بازآفرینی تمرکز دارد و اغلب این فعالیتهای در استراتژی های برنسدازی مکان مجدداً استفاده می شوند. بنابراین برای درک آرمان های خود نیازمند نوعی رایزنی از زمینه های مرتبط با سیاست شهری، سیاست اجتماعی، سیاست فرهنگی و سیاست هنری است [2].

بازآفرینی فرهنگ - مینا را می توان اصلی ترین رویکرد بازآفرینی شهری در دو دهه اخیر دانست؛ کاربست فرهنگ در جایگاهی راهبردی و با هدف دستیابی به سازوکار اقتصادی و پررونق که می تواند متضمن اهداف توسعه ای باشد و چهره ای فرهنگ گرا برای شهرها ترسیم کند. این رهیافت به کالبد دیروز احترام می گذارد و ساختارهای نو را در همخوانی با ساختارهای دیروز، به این ترتیب می افزاید و محتوا و کارکردی را ارائه می دهد که رساخت آن جریان فرهنگی و اجتماعی و زیرساخت آن، سازوکار اقتصادی و پربازده است. این ایده، چارچوب مفهومی کلی و جدید را برای حمایت از هنر، فرهنگ و نیز تحقیقات مهمتر فراهم کرده است و می تواند از طریق انواع بسیاری از ابزارها از جمله معماری، ساختمانهای میراثی، جشنواره ها، رویدادها و هنرهای نمایشی دنبال شود در واقع رویدادهای عمده به طور ویژه به عنوان کاتالیزور مؤثر برای فرایندهای بازآفرینی شهری دیده شده اند؛ زیرا آنها قادر به ادغام استراتژی های گردشگری همراه با برنامه ریزی شهری بوده و می توانند اعتماد به نفس، غرور و افتخار جامعه محلی را افزایش دهند. با کنکاشی در تعاریف آورده شده می توان استدلال کرد که بازآفرینی فرهنگ - مینا اقدامی جامع و یکپارچه است که با تأکید بر مکاشفه در عوامل به وجودآورنده زوال شهری، به دنبال اصلاح شرایط و دستیابی به نوعی بهبود مستمر و کیفی در وضعیت کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی شهر یا بخشی از آن است.

تفاوت اساسی این رویکرد با سایر رویکردهای اخیر بازآفرینی شهری، تمرکز بر فرهنگ به عنوان کاتالیزور و هدایت کننده فرایند بازآفرینی است. مهمترین ادعای این رویکرد، ایجاد پایگاهی با ثبات برای خلق جریانات سازنده اقتصادی و در نتیجه رونق اقتصادی شهر است و به این منظور بر اصولی از قبیل ایجاد رویکردی استراتژیک برای حفاظت از منابع موجود، مانند منابع طبیعی، کالبدی و انسانی، و همچنین خلق ثروت و منابع جدید، سرمایه گذاری در جنبه های روستا سازی بازآفرینی از قبیل امکانات فرهنگی - اجتماعی و نیز جنبه های زیرساختی همچون زیرساخت های کالبدی و زیرساخت های

توسعه فرهنگی را می توان به نوعی تقویت هویت فرهنگی مردم یعنی هماهنگی بین اقوام و طوایف در نظر گرفت و از جنبه دیگر در نظر گرفتن نیازهای فرهنگی و تفریحی مردم دانست. دستیابی به توسعه ای پایدار و همه جانبه بدون توجه به فرهنگ و ابعاد گوناگون آن امری بسیار دشوار و غیرممکن است [1]. «بافتهای تاریخی» شهری، حاصل فرایند گذر چرخه ی زمان بر شهرهایند. ورود تدریجی ارزشها و محتواهای گوناگون به این بافت ها در ادوار مختلف، به شکل گیری مفهوم «مکان» در این بافت ها کمک کرده است. این ارزشهای کالبدی و محتوایی در عاملی به نام «فرهنگ» متجلی می شوند که خود پدیدههای نوظهور نبوده و به یکباره در متن زندگی سکونتگاههای بشری به وجود نیامده است بلکه سیر تحول و تکامل آن همواره با گذر زمان همراه بوده و بیش از هر جای دیگر، در بستر بافتهای تاریخی، فرایند دگردیسی پیشبرنده خود را ادامه می دهد [2]. جریان مرمت و حفاظت بافتهای تاریخی شهری در دهه های اخیر، تحت تأثیر ماهیت و بارزه های عامل «فرهنگ»، راه به سوی مفهومی به نام «بازآفرینی فرهنگ - مینا» برده است.

خوب زیستن و بهتر زیستن جمعیت ها و ملت ها در فضای قابل سکونت جهان، بستگی به برخورداری از محیط مساعدی دارد که در آن تک تک انسان ها بتوانند، بر حسب خواسته ها و سلیقه شخصی و طبق آداب و رسوم خویش زندگی کنند. در طول روند تکاملی جوامع بشری، فرهنگ های محلی توانسته اند به کمک نمادهایی که در بطن دارند، تداوم داشته باشند. پذیرفتن این که فضای شهری قدیمی دارای نمادهایی هستند که از تعلق خاصی بین انسان ها و فضای کالبدی شان حکایت می کنند، امروز به معنای قبول اصلی در تایید ارزشمندی فرهنگ عامه تلقی می شود. اما مشکل عمده آن است که، در شرایط رشد پرشتاب جامعه فضای شهری دستخوش تحولاتی می شود که به دلیل تحرک ذاتی و فلسفه وجودی فردها و گروه ها (قومی و باوری)، به میراث فرهنگی حاضر و زنده شهروندان بیشتر به عنوان یک مانع می نگرد. در تحقیقات قوم نگاری از آنجایی که باید محقق در ارتباط تنگاتنگ میدانی با فرهنگ ها باشد محقق در این زمینه بعلت زندگی در شهر مورد مطالعه و شناخت و مشاهده سالیان از نزدیک با ویژگی های زمینه ای قومی (اجتماعی - فرهنگی) اقوام و ادیان این شهر آشناست و این می تواند در تفسیر و تحلیل پژوهش یاریگر باشد تا نتایج به واقعیت نزدیک باشند.

حضور فرهنگ به عنوان عاملی که از یک سو ریشه در تاریخ دارد، و از سوی دیگر با آرزوها، خواست ها و باورهای انسانها درهم آمیخته و نوعی ویژگی منحصر به فرد را برای هر اجتماع انسانی شکل می دهد، بعدی ازلی دارد [4]. فرهنگ و بازآمدهای فرهنگی، همواره به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از مناسبات شهر محسوب شده، و هر شهری با فرهنگ و بارزه های فرهنگی مختص به خود، شناخته میشده است. حال با این مقدمه در این پژوهش بدنبال یافتن پاسخی معقول به این پرسشها؛ چرا باید شاخص های مدنظر بازآفرینی برای محلات قومیتی مختلف در ارومیه و شهرهای چند فرهنگی متفاوت و متناسب با هر محله قومی باشد؟ و چگونه تفاوت در قومیت موجب



7 (1), 2022

دوره 7، شماره 1

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی

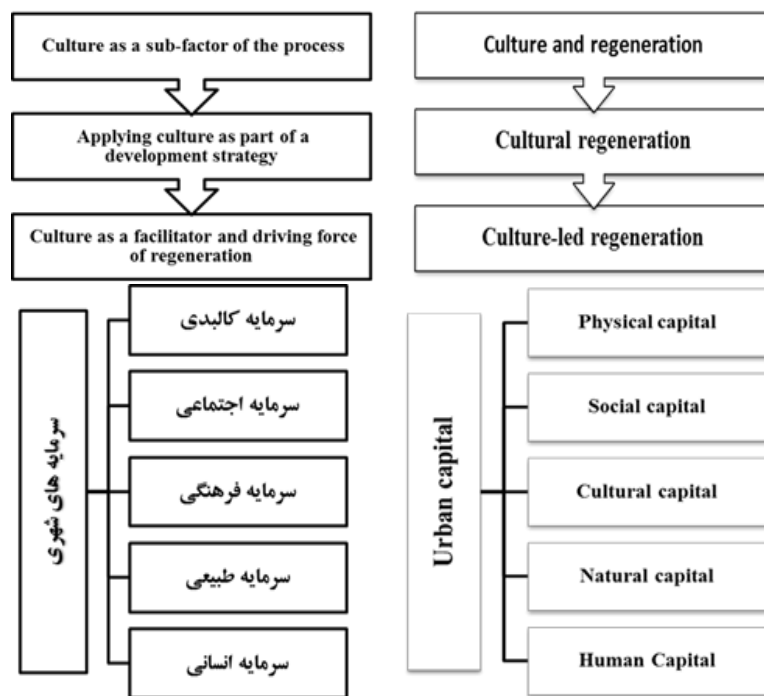
مهندسی و مدیریت

اقتصادی مانند کارآفرینی، اشتغال و کسب و کار تأکید دارد تا ضمن خلق چهره ای فرهنگ گرا برای شهر، موجبات رونق سازوکار اقتصاد شهری را فراهم آورد [4]. عوامل تغییر دهنده شهر عبارتند از: عوامل معماری- شهرسازی، عوامل جغرافیایی و اقلیمی، عوامل اجتماعی، عوامل حقوقی عوامل اقتصادی، که همیشه در تداخل، پیوستگی و تاثیرپذیری متقابل، به صورتی متغیر و اغلب پیش بینی نشده، شهر

را تحت تاثیر قرار می دهند که در این تحقیق عوامل اجتماعی بعلاوه بستر مطالعه مردم نگاری و تاثیرگذاری بیشتر مورد توجه می باشند. همین عوامل در صورتی که به صورت نامطلوب در کالبد و فعالیت تغییر ایجاد کنند باعث فرسودگی می گردند و بافت را به صورت ناپایدار در می آورند.



شکل 1 سیر گذار الگوهای اثر گذار فرهنگ بر بازآفرینی شهری



شکل 2: فرهنگ به عنوان یکی از سرمایه های شهری

مجموعه ای از پدیده های انسانی- فرهنگی، در چارچوب روابط اجتماعی در سطح افراد، انجمن ها و گروهها، در عین حال که رونق دهنده ی زندگی شهر و شهر قدیم است، می تواند اثرات تخریبی و فرساینده ای نیز در بر داشته باشد. اهم این پدیده ها عبارتند از: 1. روابط اجتماعی غیر ارگانیک، برخوردها و عدم تطابق فرهنگ های محلی در دوره های انتقالی، با تحرک های مهاجرتی و پدیده های نامساعد همزیستی و همجواری در قسمت های پرتراکم قدیمی شهر زاده می شوند:

2. تراکم یا فشردگی بیش از حد روابط اجتماعی- به ویژه آنها که حضوری اند - به تغییر شکل فضا و نیز دگرگونی خود روابط و هدف آن ها منجر می گردد. 3. ناآشنایی عمومی با ارزش های فرهنگی- اجتماعی نهفته در فضای کالبدی قدیمی شهر و بی تفاوتی نسبت به حفاظت و زنده نگه داشتن محیط شهری، که به صورت های، از طرف قشرهای مختلف شهروندان و اداره کنندگان شهر متظاهر می شوند، برای شهر قدیم بسیار زیان بارند.

جدول 1: واژه بازآفرینی به تفکیک معنای لغوی، معنای مفهومی، هدف،

اصول و زمان اقدام	
واژه	بازآفرینی (Regeneration)
معنای لغوی (معادل)	- بازآفرینی و معاصر سازی - تمدیدسازی و از نو سر برآوردن - نو شدن و به زور شدن
معنای مفهومی (تعریف)	- خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی های فضایی (کالبدی و فعالیتی) قدیم - ارائه شخصیت و هویت متفاوت
هدف	- بازآفرینی فضا با ویژگی ها و ارزش های کهن فضا - بهسازی، نوسازی و بازسازی - شخصیت و هویت مستقل یافتن
اصول	- حفظ ویژگی های با ارزش بافت کهن (در صورتیکه برنامه بازآفرینی شهری در عرصه بافت های تاریخی اتفاق بیافتد) - خلق فضاهای جدید متناسب با نیاز روز - بازآفرینی و تعریف مجدد ارزش های بهتر برای پاسخ گویی به نیازهای معاصر
زمان اقدام	- مستمر، مقطعی و بلند مدت

اطلاعاتی را جمع آوری می کند در تحقیقات قوم نگاری اغلب از دو روش برای جمع آوری اطلاعات استفاده می شود: مشاهده و مصاحبه. از این رو یکی از امکانات تحقیقات قوم نگاری استفاده هم زمان از چندین روش در جمع آوری اطلاعات است.

جدول 2 شاخص ها و معیارهای بازآفرینی فرهنگی [5]

شاخص اصلی	زیرمعیارها
فعالیت	- توسعه کاربریهای مختلط (تنوع مشاغل و نیروی کار). - مشارکت روزافزون بخش خصوصی و عمومی و گروه ها و انجمن های داوطلبانه. - بهبود و افزایش سرمایه اجتماعی (معیارها و شبکه هایی که عملکرد جمعی را امکان پذیر می سازند). - افزایش فرصتهای عرضه شده به جمعیت محلی برای افزایش مشارکت در فعالیتهای اجتماعی. - دخالت مستقیم شهروندان در ایجاد رویدادها و فعالیتهای فرهنگی.
فرم	- استفاده مجدد از ابنیه خالی. - سرمایه گذاری درونی (نیروهای بخش عمومی - خصوصی). - افزایش تعداد و کیفیت فضاهای شهری و مکانهای فرهنگی. - الگوهای حمل و نقل مناسب. - حفظ پیوند کالبدی میان عناصر قدیمی و جدید.
معنا	- ادغام ایده های فرهنگی در برنامه های آینده - تغییر نگرش و ادراک ساکنین از محل سکونت خویش - تقویت اعتماد به نفس و اشتیاق در افراد - تحول و دگرگونی اعتبار یک مکان و ساکنین آن - برخورداری از حس تاریخ و پیشرفت (گذشته، حال و آینده)

قوم نگاری یکی از روش های کیفی تحقیق در علوم انسانی است. در این روش محقق با درگیری فعال در میدان تحقیق به دنبال مشارکت در توسعه معرفت علمی در گروه ها یا فرهنگ هاست. در این رویکرد، افراد، با استفاده از ابزارهایی متنوع، به منظور دریافت معنای اجتماعی در شرایط طبیعی بررسی می شوند. مشاهده گروه پژوهش در شرایط طبیعی و سرانجام تحلیل و ارزیابی یافته ها در زمینه و بستر پژوهش باعث دیدی جامع در تحقیق قوم نگاری با اعتبار نسبتاً بالایی شده است. قوم نگاری (Ethnography) یا مردم نگاری ریشه در انسان شناسی دارد و به معنای نوشتن درباره ی شیوه زندگی هر قوم یا اجتماع است. این راهبرد پژوهش را (بررسی میدانی) یا حتی کار میدانی (Field Work) نیز می نامند؛ زیرا کار میدانی بخشی اساسی از پژوهش است. محقق قوم نگار، با گذراندن وقت خود در میدان تحقیق، به توصیف اعتقادات، فرهنگ و شیوهی زندگی افراد می پردازد. از این رو قوم نگاران به طور عمیق و از نزدیک زندگی گروه خاصی را بررسی می کنند تا از این طریق با زمینه های فرهنگی و رسوم زندگی اجتماعی شان آشنا شوند تا بتوانند آنها را مستند کنند. قوم نگاران معمولاً با استفاده از این روش قصد دارند اطلاعاتی را فراتر از آنچه خود افراد بیان می کنند و نیز درک سیستم فرهنگی آنها بدست آورند. از این رو قوم نگاران افراد را در شرایط طبیعی و زندگی روزمره شان بررسی می کنند به همین دلیل صدای افراد یکی از ابزارهای اصلی گردآوری داده ها در این تحقیق است.

ویژگی کلیدی تحقیقات قوم نگاری این است که محقق در ابتدا باید بدون هیچ پیش فرضی وارد گروه پژوهش شوند. در واقع، در این تحقیقات هیچ گونه سوال از پیش تعیین شده ای (حداقل در ابتدای کار) برای پاسخگویی وجود ندارد. محقق نیز نباید ارزش های خود را بر گروه تحمیل کند و بر اساس مشاهدات خود قضاوت کند. با توجه به اینکه محققان قوم نگار در تلاشند به مکانی وارد شوند تا بتوانند از نزدیک زمینه فرهنگی و اجتماعی افراد را بررسی کنند، این تحقیقات، مهمترین پژوهش های بستری و فرهنگی شناخته می شود یکی از دشواری های تحقیقات قوم نگاری دستیابی به میدان پژوهش است. دستیابی به افراد، گروه یا سازمان مورد پژوهش نخستین وظیفه ی پژوهشگر است و این کار گاهی آسان و گاهی دشوار است. حضور پژوهشگر نیز ممکن است رفتار شرکت کنندگان یا عمل نظام اجتماعی مورد پژوهش را تغییر دهد. در واقع جوهر و ذات قوم نگاری نگهداری و ثبت دقیق چیزی است که در گروه مورد پژوهش استخراج می شود.

### 3- پیشینه تحقیق

رابرتز و هیوسایک (2003) در کتابی تحت عنوان بازآفرینی شهری، یک راهنما؛ به روش توصیفی در آن به موضوعاتی در ارتباط به بازآفرینی شهری با دیدگاههای گوناگون اجتماعی و فیزیکی و چگونگی شیوه مدیریتی در این حوزه پرداخته شده است این کتاب در 4 بخش جداگانه تالیف شده که مفهوم بازآفرینی شهری موضوعات کلیدی در مدیریت بازآفرینی شهری و تجارب کشورهای دیگر و

بر خلاف پژوهش هایی که با روش بررسی اجتماعی آماری صورت می گیرد، در اینجا هدف یافتن علت ها و تبیین ها نیست، بلکه بیشتر توصیف واقعیت هاست. البته، در نتیجه چنین توصیف هایی برای پژوهشگر یا دیگران این امکان به خوبی وجود دارد که درباره علت اینگونه رفتارهای مردم نظریه هایی عرضه کنند. این ویژگی های تحقیقات قوم نگاری موجب می شود تا پژوهشگر زمان زیادی را در میدان تحقیق سپری کند. طی این تحقیق، محقق مدت طولانی را (گاهی اوقات چند سال) در جامعه ای زندگی می کند و به واسطه آن، مشاهداتی دقیق از شیوه زندگی آنان انجام میدهد. سپس

دورنمای آینده از جمله آن‌ها به شمار می‌رود. این کتاب مشتمل بر چند مقاله‌ی مستقل است که همه‌ی آنها مسیر طی شده تا به امروز را که در نهایت به عبارت بازآفرینی شهری منتهی شده است نشان می‌دهند. این کتاب گزارشی جامع از فعالیتهای مرتبط با بازآفرینی اکثر مناطق شهری جهان از بریتانیا و آمریکا گرفته تا اروپا است تا خوانندگان را به شکلی از بازآفرینی شهری که جامع در دسترس و کارا باشد آشنا کند. همچنین این کتاب در تلاش است که خوانندگان را از چرایی وقوع و بقای مشکلات شهری و تغییرات متوالی که پس از اجرای روند بازآفرینی شهری اتفاق می‌افتد آگاه کند. مونگومری (2003) در مقاله‌ای با عنوان: محله فرهنگی به عنوان مکانیزم برای بازآفرینی شهری نمونه موردی: انگلستان، خلق محله‌های خوب بر اساس الگوهای فرهنگی را به منظور بازآفرینی محدوده‌های رو به افول شهرها مورد جستار قرار داده است و همچنین تمایل به ترکیب استراتژی برای مصرف بیشتر از هنر و فرهنگ با تولید فرهنگی و برای بازآفرینی شهری دارد. نتایج پایان نامه شیخ احمدی (1398) با موضوع تدوین چارچوب بازآفرینی بافت‌های تاریخی با رویکرد فرهنگ مینا که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده نشان می‌دهد که مولفه اجتماع محور رتبه بالاتری نسبت به دو مولفه خلاقیت محور و طراحی محور دارد که این نشانگر وجود پتانسیل بالای سرمایه اجتماعی در بافت تاریخی ارومیه است، همچنین وجود رابطه مستقیم بین شاخص مدیریتی با شاخص‌های ادراکی و اجتماعی بدست آمد. یافته‌های تحقیق صفدری و همکاران (1397) با عنوان، بازآفرینی فرهنگ - مینا زمینه ساز ارتقاء تعاملات فرهنگی، نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد؛ نشان می‌دهد تعریف شبکه‌ی پیوسته‌ای از فضاها و فعالیتهای شهری در بستری تاریخی و در راستای حفظ و تقویت استخوانبندی اصلی شهر زیرساخت جدیدی را در توسعه شهر مشهد فراهم خواهد کرد.

داکسبری (2004) در پژوهشی با عنوان اصول و عملکردهای شهر خلاق، در نمونه موردی کانادا بیان می‌دارد؛ برای دستیابی به شهری خلاق، ضمن معرفی شرایطی که خلاقیت را پرورش می‌دهند، از دیدگاه برنامه ریزی برای فرهنگ شهری به برخی سازوکارها، فرایندها و منابعی پرداخته می‌شود که ایده را به نوآوری مبدل می‌سازد. این فرایندها در شهرها و جوامع محلی در سراسر کانادا به کار گرفته شده‌اند. هدف، بررسی عملکردهای توسعه فرهنگی و پیشنهاد چشم اندازی است که در آن هنرمندان و سازمان‌های فرهنگی برای ساخت شهرهای خلاق در مرکز قرار می‌گیرند. این مقاله از فرایندهای برنامه ریزی فرهنگی الهام می‌گیرد که در اوایل و اواسط دهه 1990 در شهرهای ونکوور و تورنتو آغاز شده در و مجموع به نظر می‌رسد در خصوص ساخت شاخص‌هایی برای ارزیابی خلاقیت و ابتکار، پیشرفت‌هایی حاصل شده است. درعین حال لازم است برای حصول اطمینان از کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌ها، کار بیشتری انجام شود تا این موارد با دقت هر چه تمام تر به فرصت‌ها، چالش‌ها و سایر ابعاد مرتبط با شرایط جامعه محلی واکنش نشان دهند. به این ترتیب این سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌توانند جامعه محلی را به طور کامل از توان خلاق خود آگاه سازند.

یافته‌های فلوریدا (2005) در کتابی با عنوان (شهر و طبقه خلاق) نشان می‌دهد که شهرها ظرفیت‌های خلاقیت هستند و همیشه

چرخه‌های حرکت، تمرکز و هدایت انرژی خلاق بشر بوده‌اند و برای جذب سرمایه‌های انسانی و خلاق شهرها و مناطق وابسته به آن باید ویژگی خاص داشته باشند که بتوانند به شهر خلاق تبدیل شوند. غیر از بسترهای دانش صنعت و بویژه صنایع با فن‌آوری برتر، بسترهای اجتماعی و فرهنگی چون تنوع اجتماعی، مطلوبیت محل زندگی، کیفیت زندگی، برابری اجتماعی جایگاه مهمی به خود اختصاص داده‌اند و همچنین اشاره می‌کند که در مطالعه خلاقیت و شهرها سه فاکتور را باید با یکدیگر در نظر بگیریم: فن‌آوری، استعداد، مدارا. وی یکی از شاخص‌های سنجش مدارای منطقه را تنوع در نظر می‌گیرد. تنوع را به عنوان وسیله سنجش درجه باز بودن یک نظام در نظر می‌گیرد.

نتایج یافته‌های مرادی (1398) در رساله دکتری خود با موضوع واکاری بازآفرینی شهری فرهنگ - مینا با رویکرد ارتقای رقابت پذیری نشان می‌دهد که بازآفرینی فرهنگ - مینا با بهره‌گیری از فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه، سعی دارد تا از طریق چهار مؤلفه صنایع خلاق و فرهنگی، آفرینش مکان و خلق محلات فرهنگی، گردشگری فرهنگی و رویدادمداری و برندسازی شهری، شهرها را برای حضور در عرصه‌های رقابت پذیری آماده کرده و مزیت رقابتی آنها را در مقایسه با شهرهای رقیب ارتقا بخشد. براساس یافته‌ها، این امر از طریق پایبندی به اصول هفتگانه از جمله سرمایه محوری و زاینده‌ی فرهنگ، شکوفایی صنایع خلاق و فرهنگی، شبکه‌سازی و خلق جاذبه‌های شهری، پایداری فرآیند بازآفرینی فرهنگ - مینا، تبلیغات و روابط بین الملل، برندسازی رقابتی مبتنی بر فرهنگ و آفرینش مکانهای رقابتی و سودآور ممکن می‌شود. بلسی و همکارانش (2012) نشان داده‌اند، شرط اساسی برای یک توسعه محلی مبتنی بر فرهنگ عملی، حضور مکانیسم حکومت اجتماعی برای بهبود است که افراد و گروه‌ها را تشویق می‌کند تا ذاتاً فرایندهای جمعی از طریق مشارکت در فعالیتهای فرهنگی به منظور ترویج اشکال جدیدی از مشارکت، انگیزه داشته باشند.

کوبین لینچ و جین جیکوبز نیز از جمله اندیشمندان و نظریه پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی و نوسازی شهری بر اساس شهرسازی انسانگرا اظهار نظر کرده‌اند. جین جیکوبز (1961)، در زمینه بافت‌های فرسوده و قدیمی و در اصطلاح وی "بافت‌های مسئله دار مزمین" به اصل روابط انسانی همسایگی و موضوع خودترمیمی و مشارکت مردم در امر بهسازی و بازآفرینی تاکید داشت (پاکزاد 1386). و در این پژوهش نیز مشارکت مردم زمانی اتفاق می‌افتد که پروژه را با اصول فرهنگی خویش منطبق بدانند.

### 3-1- اهمیت و ضرورت پژوهش و کاربرد آن

بافت‌های ارزشمند که با خاطرات حاوی زمان منجمد در مکان هستند و این به یادآوری‌ها به کمک مکان‌ها عاملی کلیدی در ارتباط موثرتر شهروندان با محیط و تداعی گر خاطرات جمعی نسل‌ها هستند. متأسفانه امروزه این بافت‌ها در سایه کم توجهی‌ها از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کاستی‌هایی شده که با زندگی امروزی چندان همخوانی ندارد و به مرور نقش تاریخی خویش را از دست می‌دهد. رویکرد نوسازی بافت فرسوده در کشور نیازمند بازنگری جدی است. رویکرد موجود عمدتاً کالبدگرا بوده است، حال آنکه رویکردهای



7 (1), 2022

دوره 7، شماره 1

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی

مهندسی عمران

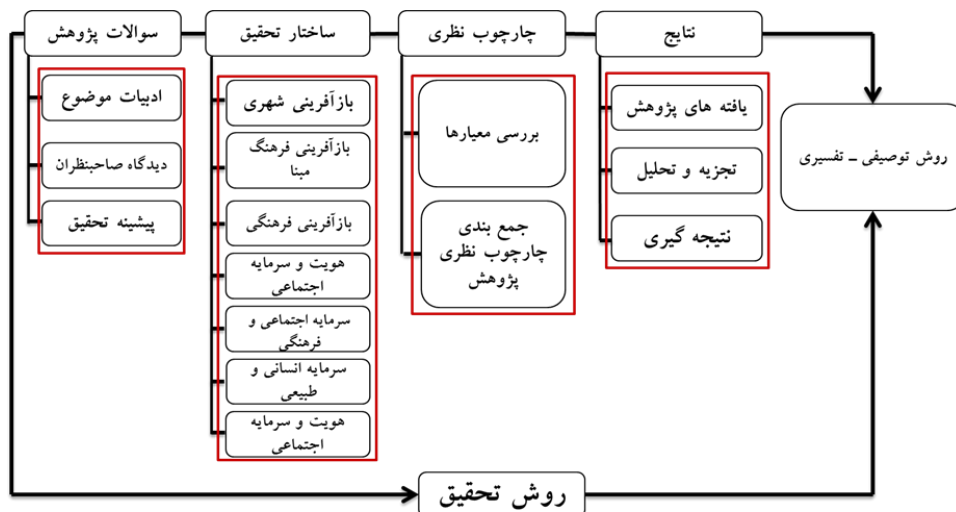
اهمیت توجه به زمینه های اجتماعی و فرهنگی هر قوم برای تعیین اصول بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا برای شهرهای چندقومیتی ضرورت مطالعه فوق را دو چندان محسوس می کند.

#### 4- روش شناسی تحقیق

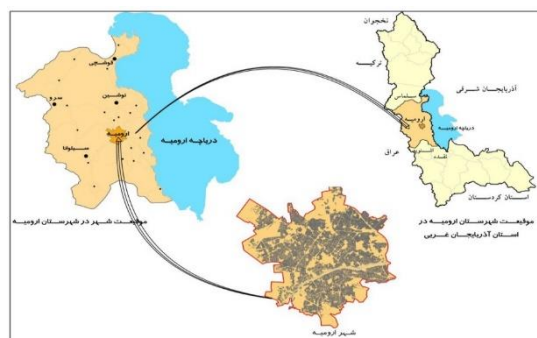
روش تحقیق این پژوهش براساس اهداف مدنظر، از نوع کاربردی می باشد چرا که به دنبال لزوم تعیین اصول بازآفرینی شهری فرهنگ مبنای محلات مختلف قومیتی و باوری ارومیه با تاکید بر قوم نگاری در شهر ارومیه می باشد و نتایج حاصل از آن در شهرسازی، برنامه ریزی شهری، طراحی شهری و معماری و... قابل استفاده می باشد. رویکرد حاکم بر این مطالعه باتوجه به موضوع و مولفه های مورد بررسی ترکیبی از روش های توصیفی - تفسیری و مبتنی بر روش قوم نگاری است که به منظور پاسخگویی به سوالات تحقیق در محدوده مورد مطالعه، از دو روش اسنادی (کتابخانه ای) و میدانی (پیمایشی) بهره گرفته شده است. جامعه آماری این تحقیق شهر ارومیه با 879709 نفر جمعیت می باشد.

جهانی حاکی از پیگیری رویکردی همه جانبه نگر با تاکید بیشتر بر ابعاد غیرکالبدی در موارد موفق است. رویکردی که مبتنی بر درک تناسب شکل گرفته تاریخی میان شهروند و شهر است و سعی می کند با حداقل دخالت مستقیم و کالبدی و حداقل تغییرات و در نظر گرفتن زمینه های اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی به نتایج مطلوب خود دست یابد. ساختمانها و کلیه فضاها و بافت های تاریخی شهرها، ارائه کننده هویت، تاریخ و فرهنگ آنها هستند حتی اهمیت این موضوع گاه در سطح هویت ملی مطرح می شود. اما در سال های اخیر و با پیشرفت روزافزون علوم و فنون و توسعه صنعتی، شهرهای تاریخی بیش از سایر شهرها تحت تأثیر نتایج متأثر از این پدیده بوده اند و خرده فرهنگ ها در معرض آسیب جدی و از بین رفتن هستند و زودوده شدن آثار اقوام از بافت ها موجب لطمه های به ارزش های ملی و معنوی می شود.

از آنجا که تصویر ذهنی افراد، نقش مهمی در ادراک آنها از فضا دارد و به مثابه شرط لازم برای ارتباط آنان با محیط می باشد، باید با شناخت و درک عواملی که در ایجاد این تصویر ذهنی و تبدیل عینیت فضا به ذهنیتی زیبا و قابل قبول نقش دارند، در جهت تامین بخشی از نیازهای امروز، به بازآفرینی و بهسازی بافت های تاریخی فرسوده و ایجاد پیوند بین فضاهای آن پرداخت. از طرفی پی بردن به لزوم و



شکل 3: چهارچوب و روش تحقیق



شکل 4: موقعیت شهر ارومیه در استان و شهرستان

#### 4-1- معرفی منطقه مورد مطالعه

شهر ارومیه؛ مرکز شهرستان ارومیه و استان آذربایجان غربی در شمال غرب کشور و تقریباً در میانه استان و در فاصله 18 کیلومتری دریاچه ارومیه قرار گرفته است. شهر ارومیه در مختصات جغرافیایی 45 درجه و 4 دقیقه طول شرقی و 37 درجه و 32 دقیقه عرض شمالی در داخل جلگه ای به طول 70 کیلومتر و عرض 30 کیلومتر واقع شده است. جمعیت شهری ارومیه در سالهای 1375، 1385 به ترتیب به 61/24، 67/37 درصد کل جمعیت شهرستان بوده است. همچنین این شهر طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1395؛ جمعیتی معادل 879709 نفر داشته است که 71/09 درصد جمعیت شهرستان را شامل می شود.

ماحصل مطالعات پژوهش حاضر در شناخت بستر مورد مطالعه نشان می‌دهد که شهر ارومیه یک شهر چند فرهنگی و چند هویتی با وجود اقوام و ادیان متفاوت ( آذری، کرد، ارمنی، آشوری) است و اجزای این "دیگری‌هایی هستند که چون اندام‌ها، اعضا و بافت‌ها آن یک وجود مشترک (شهر ارومیه) را شکل می‌دهند و به وحدت (چون یک کل منسجم) می‌رسند و این مورد در سیما و منظر، کاربری‌ها و آثار ارزشمند بافت معماری و شهرسازی آن بخصوص در بافتهای تاریخی هسته مرکزی شهر نیز هویدا است و در بازآفرینی نیز با توجه به شناخت و ارزش نهادن به ویژگی‌های قومی و فرهنگی باید سعی بر تجدید حیات تمامی عناصر هویت بخش هر یک از اقوام نمود و نمونه بارز آن گذراقبال (معروف به گذر ادیان و مذاهب) است که سه مسجد تاریخی امام شافعی، مسجد جامع واقع در میدان امام و مسجد اعظم و از آن سو امتدادی که منتهی به مسجد سردار و مدرسه هدایت و مسجد منارمی شود نشانگر هویت و قدمت و ارزش این بافت است. مسجد جامع نیز که در دوران‌های متفاوت تاریخی نقش آتشکده، مسجد ایلخانی‌ها و در دوران‌های متعدد به عنوان مسجد جامع شهر و امروز نیز به عنوان بنایی ارزشمند تاریخی و میراثی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بافتهای محلات شهری فضاهایی هستند که با تعاملات اجتماعی و حضور مردم در آن به حداکثر کیفیت و شادابی خود رسیده و سرشار از خاطرات جمعی متعدد و متنوع اند که سعی برای دمیدن زندگی دوباره در آنها مساوی با حفظ ارزش‌های میراث فرهنگی این اقوام است و این بافت‌های شهری بیانگر نوعی زندگی، طرز اندیشه، فعالیت اقتصادی، نوع روابط اجتماعی و سایر مشترکات و متمایزات ذهنی و عینی شهروندان و محصول رشد تدریجی و روند طبیعی و تبلور زندگی مدنی یک شهر در طول زمان است. با وجود اینکه این محلات و بافت‌شان ساختار حیاتی و اصلی شهرها را تشکیل می‌دهند، در مرور زمان دچار بعضی از فاکتورهای فرسودگی کالبد و فعالیت می‌شوند که موجب لطمه به هویت و نقش اساسی آنها در زیست شهری می‌شود که عدم بازآفرینی آنها به طریق فرهنگی و با کمک گرفتن از پارادایم قوم‌نگاری باعث مشکلات روز افزون و از بین رفتن معنا و محتوای آنها می‌شود.

قوم‌نگاری تفسیری به ما کمک می‌کند شاخص‌ها و مولفه‌های مطلوب هریک از این اقوام را از دل خواست‌هایشان بیرون بکشیم و در بازآفرینی شهری این محلات چون شاخص‌هایی به کار بندیم که موجب ارتباط بیشتر شهروندان با مکان گردیم و هرگونه طرحی در راستای بازآفرینی شهری و طرح‌های موضعی از گذشته آن غافل نماند و نباید طرح‌های پیشنهادی در انقطاع با زمینه‌های فرهنگی و تاریخی باشد و هرگونه طرحی که بدون توجه به هویت آن بافت باشد و در برگیرنده تمام عناصر هویتی آن که در طول زمان شکل گرفته اند نباشد، محکوم به شکست است.

همچنین حس تعلق خاطرشان را به محله افزایش دهیم که این مورد باعث سکونت دائمی شهروندان و بالا رفتن امنیت اجتماعی می‌گردد که به خودی خود موجب بازآفرینی در تمامی سطوح به تدریج خواهد گشت.

فضای شهری بستر تعاملات فرهنگی و زندگی شهری نماد و تجسم کالبدی مفاهیم فرهنگی است. بافت تاریخی شهرها به لحاظ دارا بودن قدمت، میراث کالبدی، زمین‌های متناسب با عملکرد فرهنگی مهمترین بستر کالبدی - فضایی ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شود. و بازآفرینی فرهنگ - مبنا اقدامی جامع و یکپارچه است که با بهره‌گیری از فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه، هم باعث اصلاح شرایط و دستیابی به نوعی بهبود مستمر و کیفی در وضعیت کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی می‌شود و هم دستیابی به ارتقای رقابت پذیری شهری را هدف قرار می‌دهد. با توجه به یافته‌های پژوهش، بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا سعی دارد تا از طریق چهار مؤلفه صنایع خلاق و فرهنگی، آفرینش مکان و خلق محلات فرهنگی، گردشگری فرهنگی و رویدادمداری و برندسازی شهری، مزیت رقابتی شهرها را در مقایسه با شهرهای رقیب ارتقا بخشد. بنابراین این رویکرد باید به گونه‌ای تعریف و اجرا شود که ضمن ایجاد توانایی در بازگرداندن نشاط و حیات شهری، شهرها را برای حضور در عرصه رقابت منطقه‌ای، ملی و حتی فراملی آماده سازد. مهم‌ترین نکته توجه همزمان به پیشبرد اهداف کمی و کیفی در فرایند بازآفرینی فرهنگ - مبنا در راستای رقابت پذیری به عنوان یک برنامه استراتژیک است.

شهر ارومیه به طور عام و بافت تاریخی آن به طور خاص نیز دارای عناصر ارزشمندی می‌باشد که با توجه به فشارهای گسترش شهر، غفلت از بافت تاریخی و نگاه موزه‌ای به فضاها و عناصر تاریخی سبب ایجاد بناهای تاریخی به صورت مستقل و قطع ارتباط آنها با زندگی مردم و شهر شده است. از طرفی نمادهای فرهنگی مشوق تبادل فرهنگی می‌باشد و این انفصال فضایی موجب کاهش تعاملات فرهنگی مردم در بافت تاریخی شده است. احیای فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی از نقش و جایگاه مناسبی در بازآفرینی شهری و بافت‌های تاریخی برخوردارند. لذا هدف اصلی این تحقیق ضرورت بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا در محلات قومی و قدیمی شهر ارومیه جهت ایجاد پیوند بین فرهنگهای مختلف از طریق ایجاد شبکه شهری و ارتقاء تعاملات فرهنگی بر مبنای ایده بازآفرینی فرهنگ مبنا است. در این رویکرد، فرهنگ به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی شهر شناخته می‌شود. شهر ارومیه با داشتن پتانسیل‌های تاریخی (قومی و دینی) و جاذبه‌های گردشگری امکانات توسعه فراوانی دارد. روش تحقیق توصیفی - تفسیری مبتنی بر قوم‌نگاری است و پس از بیان مبانی نظری، با مرور اسناد و مطالعات میدانی به تحلیل مسئله پرداخته شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تعریف شبکه‌ی پیوسته‌ای از فضاها و فعالیتهای شهری در بستری فرهنگی و تاریخی و در راستای حفظ و تقویت فرهنگهای غنی شهر و ایجاد زیرساخت جدید، زمینه توسعه شهر ارومیه را فراهم خواهد کرد.

### جدول 3: پیشنهادهای ارتقاء و بهبود فرهنگی شهر ارومیه و محلات مورد مطالعه

شاخص اصلی	زیر معیارها
فعالیت	<p>- همکاری بین سازمان های فرهنگی و اجتماع محلی و تمرکز بر ایجاد محیط شهری غنی به لحاظ فرهنگی.</p> <p>- ایجاد بازارچه های خیابانی با گونه گونی محصولات که موجب ارتقاء تعاملات افراد با یکدیگر در ضمن تامین مایحتاج می شود.</p> <p>- ایجاد یک زندگی خیابانی فعال از طریق به وجود آوردن جداره های فعال در خیابان ها.</p> <p>- برپایی تئاترها و نگارخانه های عمومی، گالری ها و تالارهای فرهنگی.</p> <p>- فراگیر نمودن آموزشهای هنری و رسانه ای.</p> <p>- در نظر گرفتن سیستم حکم روابی محلی (هم راستا با نظام حکمروایی مرکزی) که هدفش ترویج و پیشبرد عرضه فرهنگی در محیط شهری است.</p>
فرم	<p>- تغییر کاربری بناهای نیمه تخریب شده یا فرسوده به کاربری های مورد نیاز محدوده.</p> <p>- در دسترس بودن فضاهایی مانند بوستانها، میدانها و کنج های خوب که امکان «مردم نگری» یا دیدن دیگران را فراهم سازد و نیز وجود فعالیت هایی همچون برنامه های سرگرم کننده فرهنگی را به همراه داشته باشد.</p> <p>- پیش بینی مکانهایی جهت برگزاری رویدادهای فرهنگی که تنوع بسیاری را عرضه دارند و ترجیح بر این است که از مقیاسهای کوچک و متوسط که می تواند به عنوان هدف اصلی موجب پرشورتر شدن زندگی خیابانها شوند، استفاده کرد.</p> <p>- ارتقاء کیفیت تجربه فضایی شهر و محدوده تاریخی.</p> <p>- ایجاد وحدت و هماهنگی بین مجموعه های قدیم و جدید از طریق احیاء محلات و فضاهای شهری قدیمی.</p> <p>- حفاظت و نگهداری از ساختمانهای قدیمی و سبک هایی که تأثیر زیادی بر تغییرات فضایی و معیارهای زیبایی شناسی دارند.</p> <p>- در نظر گرفتن شبکه برنامه ریزی شده و آگاهانه از مکانهایی فرهنگی جهت حفظ و تداوم فعالیتهای فرهنگی.</p>
معنا	<p>- تشویق به ایجاد محله های فرهنگی در محدوده تاریخی شهر.</p> <p>- ایجاد رقابت بین مرکز شهر به عنوان مکانی برای جذب سرمایه های جدید با دیگر نواحی.</p> <p>- خلق تصویری قوی و تازه از محدوده مرکز شهر به عنوان نماد قدرت اقتصادی و سیاسی.</p> <p>- حفظ تصویر و چشم انداز محدوده شهر به عنوان نماد ارزش روحی و فرهنگی در مقیاس شهری.</p> <p>- حساس کردن اهالی نسبت به میراث فرهنگی.</p> <p>- ثبت رسمی شهر ارومیه به شهر اقوام و ادیان.</p>

- ضرورت توجه به پایداری فرایند بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا از طریق ایجاد اسناد شهری راهبردی و مدل سازی بومی؛

- ضرورت اصلاح ساختار فکری و عملی مدیریت شهری از طریق استفاده از افراد آگاه و دارای تحصیلات شهرسازی در ساختار مدیریت شهری به منظور شناخت عمیق از دارایی های شهری و استفاده هدفمند از فرهنگ در سیستم و نظام مدیریت شهری؛

- ضرورت تأکید فرایند بازآفرینی فرهنگ - مبنا به خدمات رسانی و رفع نیازهای اولیه و کیفی فضا به عنوان ملزومات ورود به عرصه های رقابتی؛

- ضرورت تقویت ساختار اقتصادی شهرها به عنوان عاملی تسهیلگر در فرایند بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا.

همچنین بر اساس دستاوردهای عملی پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می شود:

- درک فرایند بازآفرینی درک فرایند بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا به عنوان رویکردی جامع و یکپارچه و تأکید بر حرکت موازی سیاست های کالبدی، اقتصادی و زیست محیطی با سیاستهای فرهنگی؛

- لزوم تلقی فرهنگ به عنوان عاملی زاینده و مولد در فرایند بازآفرینی فرهنگ - مبنا از طریق کاربست اصول مبتنی بر سرمایه محوری و ارزش آفرینی هنری و فرهنگی؛

- ورود فرهنگ به فرایند تولید و اتصال زایندهای فرهنگ به ابعاد سرمایه اجتماعی، اقتصاد و درآمد با استفاده از ادغام استراتژیهای صنایع خلاق و فرهنگی، آفرینش مکان، گردشگری فرهنگی و رویدادمنداری و برندسازی شهری در فرایند بازآفرینی فرهنگ - مبنا و ضرورت توجه به ایجاد فرایند چرخه ای بین استراتژی های مذکور؛

- ضرورت ورود بناها و بافت های تاریخی مراکز شهری به عرصه ایجاد سرمایه پایدار و اجتناب از تمرکز صرف بر درآمدهای سریع و زودبازده و به دور از ظرفیت های فرهنگی و اجتماعی؛

- یادگیری از تجارب عملی بازآفرینی فرهنگ - مبنا، تأکید بر بومی سازی فرایند و لزوم توجه همزمان به بهبود امکانات و شرایط محیطی برای ساکنان، گردشگران داخلی و خارجی؛ ضرورت توجه به ظرفیت سازی محلی از طریق مشارکت جوامع محلی و ایجاد نهادهای محلی جریان ساز در فرایند بازآفرینی فرهنگ - مبنا؛

#### 7- مراجع

- [1] لطیفی، غلامرضا (1398). جایگاه فرهنگ در برنامه ریزی توسعه شهری برای افزایش امنیت اجتماعی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال یازدهم، شماره 41.
- [2] لطیفی، سهند (1389). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا؛ تأملی بر بن مایه های فرهنگ و گنش بازآفرینی، نشریه های زیبا. معماری و شهرسازی، شماره 45.
- [3] مامفورد، لوئیس (1385). فرهنگ شهرها، ترجمه عارف اقوامی مقدم، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- [4] مرادی، فاطمه و همکاران (1398). واکاوی اصول بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا با رویکرد ارتقای رقابت پذیری، مجله باغ نظر، شماره 16.
- [5] پورجعفر، محمدرضا و همکاران (1393). بازآفرینی فرهنگ مبنا زمینه ساز ارتقاء تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد). نشریه هفت شهر، شماره 47.

#### COPYRIGHTS

©2022 by the authors. Published by **Journal of Engineering & Construction Management (JECM)**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



7 (1), 2022

دوره 7، شماره 1

تابستان 1401

دوفصلنامه پژوهشی

مهندسی و مدیریت ساخت